

بازداشت شهردار تهران

بهانه و انگیزه

واتقوا فتنه لاتصیین الذین ظلموا منکم خاصه^۱

هنوز چند هفته از حماسه ملی دوم خرداد نگذشته بود که جناح شکست خورده انتخابات به برنامه‌ریزی و برخورد با جناح پیروز و دولت آقای سید محمد خاتمی، رئیس جمهور منتخب ملت، پرداخت و با استفاده از اختیارات قوه قضائیه و تشکیل دادگاه ویژه و بهره‌گیری از تجربیات واحد حفاظت اطلاعات نیروی انتظامی، شهرداران مناطق و مدیران اصلی شهرداری تهران را بازداشت کرد و با گردآوری اطلاعات، رفتارهای خلاف قانون و گرفتن اعترافاتی از بازداشت شدگان در زمینه تخلفات اداری و مالی، موضوع پرونده شهرداری تهران به سطح رسانه‌های عمومی، تریبون نمازهای جمعه، مجلس و دولت کشانده شد^۲ و به صورت «پرونده ملی» درآمد. سرانجام، پس از چند نوبت احضار آقای غلامحسین کرباسچی- شهردار تهران- به عنوان مطلع، در اولین روزهای تجدید فعالیت در سال جدید به عنوان متهم به دادگاه احضار و به اتهام اختلاس در اموال عمومی بازداشت موقت گردید و روانه زندان اوین شد.

بازداشت شهردار تهران بلافاصله در رأس اخبار رسانه‌ها قرار گرفت و هیأت دولت، پس از یک جلسه طولانی، ضمن اظهار تأسف از بازداشت شهردار تهران و حمایت و تمجید از خدمات هشت ساله شهرداری تهران، وی را در سمت خود ابقا کرد.

از آنجا که اقدامات اخیر علیه شهرداری تهران و نهایتاً بازداشت آقای کرباسچی بخشی از برنامه تهاجم جناح راست به دولت آقای خاتمی ارزیابی می‌شود- که در این مرحله در «خاکریز» شهرداری تهران انجام یافته است و تداوم آن می‌تواند به خاکریزهای دیگری نیز منتقل شود- و ادامه این روند تبعات سوئی برای ملک و ملت در پی خواهد داشت، بررسی موضوع حائز اهمیت بسیاری است. بنابراین لازم است که ابتدا موضوعات زیر به تفکیک مورد بررسی قرار گیرند:

۱- موضوع اول روش خاص مدیریت آقای کرباسچی در طول هشت سال گذشته، در سمت شهردار تهران، است. ایشان برای انجام دادن خدمات گسترده و چشمگیر خود در شهر تهران، عموماً توجه زیادی به قوانین و مقررات نداشته و برای کسب درآمد و تأمین هزینه‌های سنگین پروژه‌های، بزرگ از تمامی امکانات و روشها بهره جسته است. طبیعی است که لازمه این روش مدیریت، ارتکاب تخلفات اداری و مالی است و این امر در طول مدت یاد شده بر کسی پوشیده نبوده است. با وجود این، عملکرد شهرداری تهران همواره مورد تأیید وزرای کشور- که قائم مقام انجمن شهر تهران هستند و مسؤولیت بررسی و تصویب برنامه و بودجه و نظارت بر عملکرد شهرداری تهران را به عهده دارند- و نیز مقامات بالای کشور، به ویژه

1 از فتنه‌ای که تنها به ستمکاران شما نمی‌رسد (و همه را فرا خواهد گرفت) بپرهیزید. (ا نفال/ ۲۵)
2 گزارش آقایان هادی مروی و محمد اسماعیل شوشتری به ریاست محترم جمهوری مورخ ۷۶/۸/۲۵

رؤسای جمهور، بوده است.

عملکرد آقای کرباسچی در اصفهان و سپس در تهران شدیداً بر مسائل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی و مدیریت شهرهای کشور تأثیرگذار بوده است. لذا، فارغ از اینکه آقای کرباسچی به خدمات خود در شهر تهران ادامه دهد و یا شخص دیگری این مسئولیت را بر عهده گیرد، بسیار ضروری است که روش مدیریت و عملکرد آقای کرباسچی در سطح کارشناسی مورد ارزیابی قرار گیرد تا نقاط قوت و ضعف آن مشخص شود و برنامه مدیریت شهر تهران و سایر شهرهای کشور با تأکید بر نتایج حاصل از این ارزیابی با برنامه دولت آقای خاتمی هماهنگ گردد. این امر یک موضوع کارشناسی است و نمی‌تواند تنها در سطح قوه قضائیه، بویژه آمیخته با برخوردهای سیاسی خاص، مورد بررسی و مطالعه قرار گیرد.

۲- رسیدگی بی‌غرضانه و همه‌جانبه به تخلفات اداری و مالی مدیران کشور همواره مورد استقبال مردم بوده است و نتایج آن موجب آگاهی مردم از رویدادهای کشور، رشد جامعه و پیشگیری از تخلفات بیشتر خواهد شد. آنچه در مورد پرونده شهرداری تهران مورد سؤال و اعتراض مردم قرار گرفته این است که چرا قوه قضائیه کشور- که باید با حفظ استقلال و بی‌نظری، عدالت و اجرای قانون را تحقق بخشد- در مورد سایر پرونده‌ها کم توجهی و تعلل نشان می‌دهد و حمله به یک جناح سیاسی خاص و دفاع از جناح سیاسی مقابل آن را بر عهده گرفته است. آیا چنین رویه‌های غیرعادلانه ضربات جبران‌ناپذیری بر اعتبار قوه قضائیه و نظام وارد نمی‌آورد و موجبات بدبینی، بی‌تفاوتی و افسردگی مردم را بیش از پیش فراهم نمی‌سازد؟

۳- نحوه و زمان شکل‌گیری پرونده شهرداری تهران که خارج از مسیر عادی قضایی است- سیاسی بودن این پرونده و هدف اصلی آن را که تضعیف دولت آقای خاتمی است، آشکارا نشان می‌دهد. شاید به همین علت دولت به طور قاطع در قبال این اقدام قوه قضائیه موضع‌گیری کرد و مردم نیز به طور وسیع، ضمن اعتراض به عملکرد قوه قضائیه، از دولت آقای خاتمی حمایت نموده‌اند.

۴- موضع‌گیری مسئولان، مردم و رسانه‌ها در قبال بازداشت شهردار تهران- که به طور گسترده و کم سابقه‌ای در مطبوعات منعکس شده و می‌شود- فضای سیاسی جامعه را کاملاً متأثر ساخته است. زمینه‌های حمایت مردمی از دولت آقای خاتمی نیز که از طریق تشکیل اجتماعات و راهپیمایی‌ها فراهم شده است به خوبی تهاجم جناح شکست خورده و دفاع جناح پیروز در انتخابات دوم خرداد را نشان می‌دهد. نهضت آزادی ایران ضمن اعتراض به عملکرد غیرعادلانه و تخلفات قانونی قوه قضائیه در ارتباط با پرونده شهرداری تهران- که به صورتهای مختلف در رسانه‌ها و مطبوعات منعکس شده است- موارد زیر را مورد تأکید قرار می‌دهد:

الف- برنامه جناح شکست خورده ایجاد مضيقه و بی‌نظمی و احیاناً درگیری با هدف تضعیف و به زانو درآوردن دولت آقای خاتمی است لذا بر همه علاقه‌مندان به ایران و اسلام و اصول و آرمانهای اصیل انقلاب اسلامی ایران و دموکراسی و عدالت است که ضمن حفظ هوشیاری و حمایت از برنامه‌های دولت آقای خاتمی- که در جریان انتخابات ریاست جمهوری مطرح شد- از هر گونه تشنج و درگیری پرهیز کنند.

ب- مطبوعات، احزاب و گروههای ملی و اسلامی و نهادهای حرفه‌ای و صنفی در سطح کشور باید از دولت آقای خاتمی حمایت کنند و تهاجم جناح راست علیه دولت آقای خاتمی را بار دیگر با شکست مواجه

سازند.

پ- با توجه به ساختار و عملکرد ضعیف مدیریت قوه قضائیه و خروج آن از وظایف اصلی- که در اصل یکصد و پنجاه و ششم قانون اساسی مندرج است- برای پایان بخشیدن به بحران کنونی کشور انتظار می‌رود که هر چه سریعتر فردی باصلاحیت که مطابق اصل یکصد و پنجاه و هفتم قانون اساسی باید «مجتهد عادل و آگاه به امور قضایی و مدیر و مدبر» و بی‌طرف باشد به عنوان رئیس قوه قضائیه انتخاب و جایگزین رئیس فعلی گردد.

اولین اقدام رئیس بعدی قوه قضائیه باید تحقق اصل استقلال قوه قضائیه و دور نگاه داشتن آن از جناح‌بندیهای سیاسی موجود کشور باشد.

استقلال و عملکرد قوه قضائیه در هر جامعه‌ای شاخص سلامت و رشد آن جامعه است.

۵- سردمداران جناح راست باید این واقعیت را بپذیرند که هرگونه برنامه‌ریزی برای تضعیف دولت آقای خاتمی، همان گونه که قرآن هشدار می‌دهد، فتنه‌ای است که زبانه‌های آتش آن خشک و تر و همه جناحها و مردم را در برخواهد گرفت و برنده‌ای نخواهد داشت. آنان باید برای جبران شکست انتخابات دوم خرداد به عمل ایجابی و تشکل و سازماندهی نیروها و افراد وفادار خود در قالب قانون احزاب بپردازند و با احترام به رأی مردم و در چارچوب اصول قانون اساسی به برنامه‌های دولت آقای خاتمی در شکل‌گیری زمینه‌های جامعه مدنی کمک کنند و بر روند تحولات به طور منطقی و مثبت تأثیر بگذارند.

۶- سایر تخلفات بزرگ چشمگیر مالی و اداری که مدارک آن اعلام شده است- از جمله پرونده‌های بنیاد مستضعفان، وزارت ارشاد و کمیته امداد امام- بدون توجه به جناح‌بندیهای سیاسی سریعاً و عادلانه مورد رسیدگی قرار گیرد تا بی‌طرفی و استقلال قوه قضائیه مورد قبول مردم قرار گیرد.

۷- حل مسائل کلیدی و مزمن شهرهای ایران- از جمله، مشکلات کلان‌شهر تهران- تنها از راه سپردن امور مردم به خود آنان، با اجرای صحیح و صادقانه قانون شوراها و انتخاب شوراهای شهر و شهرداران توسط مردم، ممکن و میسر است.

والعاقبه للمتقين

نهضت آزادی ایران